



بررسی شعر ترکی «حیدربابا»ی شهریار بر اساس معیارهای شش‌گانه‌ی زبان‌های ضمیرانداز

لیلامیر، حیدرعلی امینی

چکیده

رفتار ضمائر فاعلی در زبان‌های مختلف متفاوت است و از این رو پارامتری به نام پارامتر ضمیرانداز^۱، زبان‌ها را در این مقوله از هم جدا می‌کند. برخی از زبان‌ها همانند ترکی آذری از جمله زبان‌هایی هستند که به ضمیر فاعلی اجازه حذف می‌دهند. در این مقاله محقق سعی دارد که این ویژگی را با نشان دادن آن در شعر «حیدربابا»^۲ی شهریار^۳ اثبات کند. بدین منظور گزیده‌ای از شعر مذکور به‌طور تصادفی انتخاب شد و شش معیار که ملاک‌های تشخیص زبان‌های ضمیرانداز از غیرضمیرانداز^۴ است مورد بررسی قرار گرفت. پس از تحقیق مشخص شد که زبان ترکی آذری^۵

۱ pro-drop ضمیرانداز یا ضمیرگذار

۲ حیدربابایا سلام یا حیدربابایه سلام (به فارسی: سلام بر حیدربابا) که اغلب به صورت کوتاه «حیدربابا» خوانده می‌شود، نام منظومه‌ای است به ترکی آذربایجانی از محمدحسین شهریار.

۳ سید محمدحسین بهجت تبریزی (زاده ۱۲۸۵-درگذشته ۱۳۶۷) متخلص به شهریار (پیش از آن بهجت) شاعر ایرانی اهل آذربایجان بود که به زبان‌های ترکی آذربایجانی و فارسی شعر سروده است.

۴ non-pro-drop غیرضمیرانداز یا ضمیرناگذار

۵ زبان آذری زبانی است از خانواده زبان‌های ایرانی غربی که در منطقه آذربایجان پیش از گسترش زبان ترکی رایج بوده است.

واژه‌های کلیدی: ضمیرانداز، ضمیرگذار، pro-drop، ترکی آذری، شهریار.



در گروه زبان‌های ضمیرانداز قرار می‌گیرد اما در متن‌هایی همانند شعر، شاعر به علت تأکید یا ضرورت شعری یعنی قافیه و وزن، ضمائر را در شعر حفظ می‌کند.

۱- مقدمه

در پی یافتن مشترکات بین زبان‌های متفاوت دنیا، زبان‌شناسان ابتدا مطالعات زبانی را به صورتی پیش می‌بردند که به مراحل تاریخی اهمیت قائل بودند. آن‌ها ویژگی‌های مشترک دو زبان را در طول تاریخ با یکدیگر مقایسه می‌کردند و با در نظر گرفتن شباهت و تفاوت موجود بین آواها و واژگان، آن‌ها را تحلیل و تفسیر می‌کردند. اما علم زبان‌شناسی جدید پس از ظهور دیدگاه «دستور زایشی»^۶ چامسکی^۷ (۱۹۵۷)؛ شکل تازه‌ای به خود گرفت. در این دیدگاه شباهت‌های ساختاری بین زبان‌های مختلف اساس کار را تشکیل می‌داد. چامسکی در همین مدل بود که «دستور زایشی» را مطرح نمود و بر توصیف دستوری زایشی صریح از طریق «قواعد بازنویسی»^۸ تأکید گذارد.

در بعضی زبان‌ها فاعل ضمیری جمله‌واره‌ی زمان‌دار^۹ (محدود) قابل حذف شدن هستند. با این وجود می‌توان گفت که وجود جمله‌های بی‌فاعل در بعضی زبان‌ها مبین این حقیقت است که در این گونه زبان‌ها عناصری وجود دارند که از نظر واجی صفر هستند، یعنی تحقق واجی ندارند.

در این تحقیق نویسنده سعی دارد که به یکی از پارامترهای مطرح در دستور همگانی و نحوه برخورد زبان ترکی آذری با این پارامتر پرداخته شود. این پارامتر که به پارامتر ضمیرانداز معروف است، به امکان حذف ضمیر فاعلی و مفعولی در زبان ترکی اشاره می‌کند. نویسنده در این تحقیق ابتدا پیشینه‌ای از کارهای صورت گرفته در زمینه‌ی زبان‌های ضمیرانداز و غیرضمیرانداز ارائه می‌دهد و سپس با معرفی دستور همگانی و زایشی و در ادامه با ارائه ملاک‌های شش‌گانه به توصیف زبان‌های ضمیرانداز می‌پردازد و در نهایت با در نظر گرفتن این ملاک‌ها در زبان ترکی آذری در شعر «حیدربابا»^{۱۰} شهریار اثبات می‌کند که این زبان در کدام گروه قرار می‌گیرد.

۲- پیشینه

^۶Generative Grammar

^۷Chomsky

^۸ rewrite rules یا قواعد بازنویسی همان قواعد نوع NP VP \rightarrow s هستند.

^۹ finite verbs افعال زمان‌دار (یا محدود) فعلی است که دارای زمان دستوری و شخص و شمار (در صورت نیاز) می‌باشد.

non-finite verbs افعال غیر زمان‌دار (یا نامحدود) شامل مصدرها، وجه وصفی و اسم مصدر هستند.

پارامتر ضمیراندازی در اولین مطالعات زایشی توسط پرمیوتر^{۱۰} (۱۹۷۱) مطرح شد (جگلی و سفیر، ۱۹۸۹). براساس این پارامتر زبان‌های فاعل‌تهی^{۱۱} (یا ضمیرانداز) در جملات زمان‌دار می‌توانند دارای فاعل‌های ناملفوظ باشند و در مقابل زبان‌های غیرضمیرانداز الزاماً ضمیر فاعلی با نمود آوایی دارند. با توجه به این پارامتر، زبان‌های دنیا در دو گروه عمده‌ی زبان‌های ضمیرانداز و غیرضمیرانداز قرار می‌گیرند. اگرچه زبان‌های ضمیرانداز دارای خصوصیات مشترکی هستند اما رفتار کاملاً یکسانی از خود نشان نمی‌دهند و می‌توان گفت آنها در چهار گروه مختلف زیر قرار می‌گیرند که شامل موارد زیر هستند: زبان‌های ضمیرانداز ثابت^{۱۲} (مانند فارسی، ترکی، ایتالیایی، یونانی، اسپانیولی، ترکی و ...) در این زبان‌ها تمام صیغه‌ها در همه زمان‌ها دارای ضمیر ناملفوظ است. ویژگی‌های دیگر این زبان‌ها عبارتند از تصریف غنی فعل، مجاز بودن ضمائر آشکار هنگام تأکید، وارونگی آزاد فاعل و فعل، عدم رعایت فیلتر that-t یا به عبارت دیگر مجاز بودن خروج فاعل از بند درونه، ضمیرانداز پوچ‌واژه‌ای^{۱۳} (مانند آلمانی، گونه‌هایی از هلندی و آفریقایی، کریول و...) در این زبان‌ها وجود فاعل بی‌آوای پوچ‌واژه‌ای مجاز است اما وجود فاعل بی‌آوای ارجاعی مجاز نیست، ضمیرانداز نسبی^{۱۴} (مانند عبری، روسی، ایسلندی، ماراتی و پرتغالی برزیلی و ...) در این زبان‌ها تنها ضمائر اول شخص و دوم شخص حذف می‌گردد. ضمائر سوم شخص تنها زمانی حذف می‌شود که تحت حاکمیت یک موضوع در بند بالاتر قرارگیرد. ویژگی دیگر این زبان‌ها ناملفوظ بودن ضمائر عام در این زبان‌هاست و ضمیرانداز کلامی^{۱۵} (مانند چینی، ژاپنی، تایلندی، کره ای و ویتنامی) ویژگی‌های زبان‌های این گروه عبارت است از امکان حذف موضوعات اسمی در نقش‌های متعدد علاوه بر فاعل و عدم وجود نماد مطابقه شخص روی فعل (روبرتز^{۱۶} و هولمبرگ^{۱۷}، ۲۰۱۰) و (هولمبرگ، ۲۰۰۵).

متولیان‌نائینی و ایمانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ی خود رفتار مشترک زبان‌های هر زیرگروه را مورد بررسی قرار داده و با توجه به ویژگی‌های زبان فارسی، جای‌گاه این زبان را در این طبقه‌بندی این‌گونه مشخص می‌کند: او معتقد است که زبان فارسی (و زبان ترکی) به علت تصریف غنی فعل، مجاز بودن ضمائر آشکار هنگام تأکید، وارونگی آزاد فاعل و فعل و مجاز بودن خروج فاعل از بند متممی خودایستا به عنوان زبان ضمیرانداز ثابت طبقه‌بندی می‌شود. «در مقابل زبان‌های ضمیرانداز نسبی مانند فنلاندی، عبری، روسی، ماراتی و ... محدودیت‌هایی را در خصوص بکارگیری فاعل تهی اعمال می‌کنند و تنها ناملفوظ

۱۰ Perlmutter

۱۱ null subject

۱۲ consistent null subject

۱۳ expletive Null-Subject

۱۴ partial null subject

۱۵ discourse pro-drop

۱۶ Roberts

۱۷ Holmberg

بودن برخی از ضمائر فاعلی را مجاز می‌دانند» (متولیان نائینی، ص. ۷۲). همچنین وی معتقد است: «با توجه به تمایزهای مطرح شده به نظر می‌رسد ضمیراندازی در زبان‌های ضمیرانداز ثابت، معمول‌تر از زبان‌های ضمیرانداز نسبی باشد» (متولیان نائینی، ص. ۷۲).

متولیان نائینی و شهبازی (۱۳۹۲) در تحقیقی دیگر از زبان‌های ضمیرانداز، حرکت پرسش‌واژه در زبان فارسی و ترکی را مورد بررسی قرار داده و به نتایج زیر دست یافتند: هر دو زبان فارسی و ترکی به عنوان زبان‌های ضمیرانداز ثابت شناخته می‌شوند که عموماً تابع ویژگی‌های مشترک هستند اما در مورد حرکت پرسش‌واژه متفاوت عمل می‌کنند. در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی محل فرود پرسش‌واژه در همه جملات پرسشی حاصل حرکت پرسش‌واژه، یک جای‌گاه ثابت نحوی یعنی جای‌گاه شاخص گروه متمم‌نماست. لذا جای‌گاه پرسش‌واژه برای این جملات پرسشی قابل پیش‌بینی است. ولی در زبان فارسی محل فرود پرسش‌واژه بستگی به ملاحظات بافتی و کاربرد شناختی دارد. به عبارت دیگر پرسش‌واژه در زبان فارسی به سمت شاخص گروه تاکید حرکت می‌کند. در حالی که در ترکی شاخص گروه زمان جای‌گاه فرود پرسش‌واژه است. نتیجه آن‌که حرکت پرسش‌واژه در زبان فارسی مانند انگلیسی از جای‌گاه موضوعی به جای‌گاهی غیرموضوعی است. اما در ترکی این حرکت از نوع موضوعی است و پرسش‌واژه پس از حرکت حالت خود را دریافت می‌کند.

حقیقین و کیانی (۱۳۹۱) نیز در تحقیق خود در زبان ضمیرانداز فارسی با موضوعیت «بررسی مطابقت فاعل و فعل در گفتار فارسی‌آموزان بر اساس رویکرد کمینه‌گرا» به این نتیجه رسیدند که دسترسی به مشخصه‌ها در زبان اول و تأثیر آن بر فراگیری مطابقت در زبان فارسی، ضمیراندازی و حضور ضمائر غیرفاعلی در جمله، از عوامل مؤثر بر مطابقت است و در جمله‌هایی که در آنها ضمیراندازی صورت گرفته و فاعل به‌طور آشکار در جمله وجود ندارد، میزان خطای مطابقت بیشتر از زمانی است که فاعل به‌طور آشکار در جمله حضور دارد.

راسخ‌مهند (۱۳۸۴) نیز با بررسی «حذف ضمیر در برخی از زبان‌های ایرانی» معتقد است که رفتار ضمائر فاعلی و مفعولی در زبان‌های مختلف متفاوت است و از این رو پارامتری به نام پارامتر ضمیرانداز، زبان‌ها را در این مقوله از هم جدا می‌کند و همچنین عنوان می‌کند فارسی نیز از زبان‌هایی است که اجازه حذف ضمیر فاعلی را دارند.

شریفی‌پور شیرازی (۱۳۹۳) با «بررسی پارامتر ضمیراندازی در زبان فارسی در سه دوره‌ی باستان، میانه و نوین در قالب نظریه پادتقارن پویا» نتیجه می‌گیرد که در زبان‌های فارسی باستان، میانه و نوین، که هر سه از زبان‌های ضمیرانداز به حساب می‌آیند پارامتر

ضمیراندازی حاصل خنثی شدن نقطه‌ی تقارن و نهایتاً رعایت اصل تناظر خطی (LCA) در صورت آوایی است. این خنثی‌سازی با جابجایی، یکی از بنیان‌های سازنده نقطه تقارن [DP] و یا [VP] و یا حذف آن در مورد ضمیر پنهان (pro) که یک ضمیر ضعیف، و نه یک مقوله تھی، به حساب می‌آید، به وقوع می‌پیوندد. از این رو، می‌توان گفت که تنها دلیل جابجایی آزادانه فعل و فاعل و همچنین توانایی در حذف ضمیر خارج از بافت در این زبان‌ها، وجود نقطه تقارن و تلاش در جهت شکستن آن است.

توکلی، علی‌بابایی و یوحنایی (۲۰۱۲) در تحقیق خود «بررسی فاعل‌های ارجاعی، شبه‌فاعل و پوچ‌واژه در زبان دوم در فراگیران فارسی‌زبان» درصد بررسی کسب فراگیری انواع مختلف فاعلهای اجباری توسط دانش‌آموزان بزرگسال فارسی‌زبانی که در حال یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم در مراحل مختلف هستند می‌باشند. با توجه به این که زبان انگلیسی به عنوان یک زبان غیرضمیرانداز است به نظر می‌رسد که دارای سه نوع فاعل اجباری، یعنی ارجاعی^{۱۸}، شبه‌فاعل، و پوچ‌واژه باشد، در حالی که از فارسی به عنوان یک زبان ضمیرانداز انتظار می‌رود که فاقد شبه‌فاعل، و پوچ‌واژه باشد. در عین حال، به نظر می‌رسد در زبان فارسی ساخت و سازه‌ای مانند ساخت زیر نیز ظاهر شود:

مثال ۱: اینطور به نظر می‌رسد که روش جدید موثر نبوده باشد.

دو جهت برای فراگیری فاعل‌های اجباری و تھی وجود دارد، هم فراگیر زبان اول و هم فراگیر زبان دوم هر دو باید ارزش‌های پارامتری را برای پارامتر ضمیرانداز داشته باشند. اولین جهت موقعیتی است که در آن گوینده‌ی زبان دارای فاعل اجباری، فاعل تھی را به عنوان زبان دوم یاد می‌گیرد (بلتی^{۱۹} و همکاران، ۲۰۰۷؛ گورل^{۲۰}، ۲۰۰۶؛ لیکراس، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹؛ فیینی^{۲۱}، ۱۹۸۷). و دومین جهت این است که گوینده‌ی زبان فاعل تھی، فاعل زبان اجباری را به عنوان زبان دوم می‌آموزد (بو^{۲۲}، ۱۹۹۶؛ هیلز^{۲۳}، ۱۹۸۶؛ خلیلی‌ثابت، ۲۰۰۶؛ پلات^{۲۴}، ۱۹۹۳؛ سیمپلی^{۲۵} و روسو^{۲۶}، ۱۹۹۱؛ وایت^{۲۷}، ۱۹۸۵، ۱۹۸۶).

۱۸ referential

۱۹ Belletti

۲۰ Gurel

۲۱ Phinney

۲۲ Boe

۲۳ Hilles

۲۴ Platt

۲۵ Tsimpli

۲۶ Roussou

۲۷ White



۳- چارچوب نظری

۳-۱ اصول جهانی زبان‌شناسی

دستور جهانی ۲۸ نظریه‌ای در زبان‌شناسی است که پایه‌گذار آن چامسکی است و بر مبنای آن، مغز انسان به طور خاص برای یادگیری زبان، پیشاپیش برنامه‌ریزی شده‌است. طبق این نظریه، دانش زبانی انسان بدون آموزش شکل می‌گیرد و از طرف دیگر، همه زبان‌های طبیعی، ویژگی‌های مشترکی دارند. پس برای تعیین اینکه دقیقاً کدام ویژگی‌های زبانی، ذاتی هستند، نیاز به مشاهده، آزمایش و تحلیل وجود دارد. چامسکی (۱۹۷۶) معتقد است که «دستور جهانی» نظامی از اصول شرایط و قواعد است که از عنصر یا خصوصیت تمامی زبان‌های بشری می‌باشد یعنی عصاره زبان بشری. دستور جهانی بدون در نظر گرفتن اینکه مردمان به چه زبانی صحبت می‌کنند خصوصیات مشترک تمامی زبان‌ها را داراست. ابتدا این نظر به عنوان نظریه‌ی حاکمیت و مرجع‌گزینی ۲۹ معروف بود که بعدها با انتشار دانش زبانی و محدودیتها تغییر نام داد. تلفیق نظریه دستور جهانی و نظریه اصول و متغیرها به نظریات زیرشاخه دیگری منتج می‌گردد. «دستور جهانی» قسمتی از قوه‌ی زبانی ذاتی است و البته وایت ۳۰ این طور مطرح می‌کند که: «دستور جهانی با تحمیل شکل و عمل‌کردش محدودیت‌هایی برای دستور ایجاد می‌کند» (۲۰۰۳، ص. ۲۰). پس از چند مرحله، نظریه‌ی چامسکی تبدیل به «نظریه‌ی اصول و پارامترها» شد. این نظریه عنوان می‌کند که «زبان‌های انسانی متشکل از اصولی هستند که در همه‌ی دستور زبان یکسانند و دارای پارامترها یا فراسنجهایی هستند که باعث پیدایش تفاوت‌هایی محدود بین دستور زبان‌ها می‌شوند» (کوک و نیوسان، ۲۰۰۷، ص. ۵). طبق گفته‌ی چامسکی «یک زبان، دستگاه یا نظامی از قواعد نیست، بلکه مجموعه‌ای است از مشخصات برای پارامترها در نظامی ثابت از اصول دستور زبان جهانی» (۱۹۹۵، ص. ۳۸۸). اصول در مورد تمامی حوزه‌های زبانی صادق هستند نه تنها در مورد ساختارهای منفرد. دانش زبانی مرکب از تعدادی قواعد نیست بلکه مرکب از اصولی زیربنایی است که قواعد از آن‌ها مشتق می‌شوند. چامسکی (۱۹۸۶ و ۱۹۹۱) مدعی‌ست که دستور همگانی از تعدادی اصول ثابت تشکیل شده‌است که در تمام زبان‌ها غیر قابل تغییراند و در عین حال پارامترهایی در دستور همگانی وجود دارند که از یک زبان به زبان دیگر قابل تغییراند. زبان‌های مختلف می‌توانند از میان این پارامترها، دارای پارامتری خاص بوده و یا نباشند. به بیان دیگر هر زبانی در اصول با زبان‌های دیگر مشترک است و تفاوت زبان‌ها فقط در انتخاب پارامترها است.

۲۸ Universal Grammar

۲۹ GB (Government and Binding)

۳۰ White



۲-۳ مبانی دستور زایشی

دستور زایشی از آغاز شکل‌گیری آن در نیمه‌ی دهه‌ی پنجاه قرن بیستم میلادی تاکنون مبانی زیر را حفظ نموده‌است که دبیرمقدم (۱۳۷۹، صص. ۲۳-۱۸) آن‌ها را به شیوه‌ی زیر بیان می‌کند:

۱. پای‌بندی آن به فلسفه و تفکر عقل‌گرایی.
۲. تمایز قائل شدن بین دانش زبانی و تبلور و بالفعل شدن آن.
۳. صورت‌گرایی^{۳۱} آن و اهتمام به ارائه‌ی توصیف‌ها و تبیین‌های صورت‌گرایانه و ریاضی‌گونه و دقیق برای ساخت‌های زبانی.
۴. باور داشتن به استقلال و جدابودن بخش‌های تشکیل‌دهنده‌ی نظام زبان شامل بخش نحو، بخش واژگان، بخش واجی، و بخش معنا.
۵. قائل‌بودن به استقلال قوه‌ی نطق و دانش زبانی از دیگر قوای ذهن از قبیل هوش، تفکر و استقلال منطقی.
۶. منحصر کردن و محدود کردن وظیفه‌ی زبان‌شناسی به مطالعه‌ی صرف و محض حوزه‌ی زبان.
۷. جمله-محور بودن این دستور.
۸. قضاوت و شمم^{۳۲} زبانی فردی مبنای تصمیم‌گیری درخصوص دستوری بودن^{۳۳} یا غیردستوری بودن داده‌ها واقع می‌شود.
۹. قائل نبودن به تکامل در زبان.
۱۰. آرمان‌گرایی^{۳۴} و جامعه‌ی زبانی همگن^{۳۵}.

قواعد زایشی صریح و قابل‌آزمون هستند. طبق نظر بوت^{۳۶} (۱۹۸۹) منظور از زایشی بودن دستور این نیست که آن‌را به معنی «بارور» و یا «بهره‌ور» فرض کنیم بلکه مفهوم آن این

۳۱ formalism

۳۲ intuition

۳۳ grammaticality

۳۴ dealization

۳۵ Homogeneous speech community

۳۶ Botha



است که آن دستور به نحوی صریح و روشن به توصیف زبان می‌پردازد و به شکلی دقیق و واضح به ما می‌گوید که ساختارهای زبان کدامند؛ و از این جهت با دستور سنتی متفاوت است. چامسکی بیان می‌کند: «وقتی می‌گوییم توصیفی که یک زبان‌شناس از یک دستور زبان داده زایشی است منظورمان این است که این توصیف آن‌قدر واضح و روشن است که چگونگی مشخص نمودن ویژگی‌های جملات این زبان بوسیله دستور زبان نشان داده می‌شود (۱۹۸۰a، ص. ۲۲۰). البته امروزه این نوع رویکرد بیشتر به منظور تمایز با انواع دیگر رویکردها به کار می‌رود.

۳-۳ زبان‌های ضمیرانداز^{۳۷}

اولین بررسی در زمینه زبان‌های ضمیرانداز و غیرضمیرانداز را می‌توان به ریتسی^{۳۸} (۱۹۸۲) نسبت داد. بر همین اساس زبان‌های زنده دنیا در دو گروه قرار می‌گیرند: زبان‌های ضمیرانداز (یا فاعل‌تهی) و زبان‌های غیرضمیرانداز. از ویژگی‌های زبان‌های ضمیرانداز که به‌عنوان نمونه می‌توان زبان‌های فارسی، ترکی و ایتالیایی را نام برد، وجود ضمیر فاعلی ناملفوظ در بندهای خودایستا است.

در بعضی زبان‌ها فاعل ضمیری جمله‌واره‌ی زمان‌دار (محدود) قابل حذف شدن هستند. با این وجود می‌توان گفت که وجود جمله‌های بی‌فاعل در بعضی زبان‌ها مبین این حقیقت است که در این گونه زبان‌ها عناصری وجود دارند که از نظر واجی صفر هستند، یعنی تحقق واجی ندارند. در زبان‌های ضمیرانداز جای‌گاه بی‌نشان^{۳۹} ضمیر فاعلی پیش از فعل است و به طور معمول آورده نمی‌شود. ضمیر فاعلی یا به طور کلی ضمیر را، مانند هر واحد زبانی دیگر می‌توان مجموعه‌ای از ویژگی‌های واجی، نحوی و معنایی دانست؛ اگرچه همه‌ی واحدهای واژگانی، هر سه‌ی این ویژگی‌ها را یک جا ندارند (جکندوف، ۱۹۹۷).

طبق نظر ریتسی (۱۹۸۲ و ۱۹۸۶) زبان‌های ضمیرانداز از آنجا که قادرند مجوز حضور ضمیر ناملفوظ ارجاعی را صادر کنند، به همان طریق دارای ضمیر ناملفوظ غیرارجاعی هستند. به عبارت دیگر، از نظر او زبان‌های ضمیرانداز دارای پوچ‌واژه‌ی ناآشکار نیز هستند. تیکلیس^{۴۰} (۲۰۰۸) نیز با انجام تحقیق گسترده‌ای بر زبان‌های ضمیرانداز نشان می‌دهد که رابطه‌ی بیان شده توسط ریتسی (۱۹۸۶) که وجود ضمیر ناملفوظ ارجاعی ضرورتاً مستلزم وجود پوچ‌واژه‌ی تهی است، در تمام این زبان‌ها برقرار است؛ بدین مفهوم که در همه‌ی زبان‌هایی که ضمیر ناملفوظ ارجاعی وجود دارد، حتماً ضمیر ناملفوظ غیرارجاعی یا پوچ‌واژه‌ی

^{۳۷}pro-drop languages

^{۳۸}Rizzi

^{۳۹} unmarked

^{۴۰} Ticles



ناآشکار نیز وجود دارد.

۳-۴ زبان‌های بدون حذف ضمیر^{۴۱} (غیرضمیرانداز)

زبان‌هایی وجود دارند که برخلاف زبان‌های ضمیرانداز اجازه‌ی حذف فاعل را نمی‌دهند که به این‌گونه، زبان‌های «بدون حذف ضمیر» می‌گویند. به مثال‌های ۴-۲ دقت کنید^{۴۲}:

معنی هر سه مثال: او در را باز کرد.

مثال ۲ از زبان انگلیسی:

He opened the door.

* pro opened the door.

مثال ۳ از زبان فرانسوی:

Il ouvrit la porte.

il Uvrir la port.

* pro Ouvert la porte.

مثال ۴ از زبان آلمانی:

Er öffnete die Tür.

* pro Öffnete die Tür.

۳-۵ مقوله‌ی تهی

عناصر زبانی در سطح جملات زبان، به دو صورت پنهان و آشکار نقش‌آفرینی می‌کنند. مقوله‌ی تهی از جمله سازه‌های زبانند که در روساخت جمله نمود آوایی ندارند؛ اما کارکردهای صرفی و نحوی دارند. فاعل محذوف زبان را می‌توان از آن جمله محسوب کرد؛ اما در دستور سنتی به پدیده‌ی حذف به‌صورت بسیار محدود پرداخته شده است؛ درحالی‌که حذف در دستور زبان و مقوله‌ی تهی، به شکل ویژه اهمیت به‌سزایی دارد.

۴۱ non-pro-drop languages

۴۲ * نشانه‌ی غیر دستوری بودن است.



هگمن^{۴۳} معتقد است: «مقوله‌ی تهی، سازه‌ای است که از لحاظ دستوری فعال، ولی از نظر آوایی پنهان است؛ یعنی صورت ملفوظ ندارد» (هگمن، ۱۹۹۴، ص. ۲۵۳).

۳-۶ پوچ‌واژه

کریمی (۲۰۰۵) معتقد است که بنابر ملاحظات جهانی، زبان‌های ضمیرانداز فاقد پوچ‌واژه آشکارند. از این‌رو، وی واژه‌ی «این» را عنصر اشاری در نظر می‌گیرد. این در حالیست که زبان‌های ضمیراندازی همچون ایتالیایی، ایرلندی و پرتغالی دارای پوچ‌واژه آشکار نیز هستند.

۳-۷ ضمایر ترکی آذری

ضمایر منفصل ترکی آذری طبق جدول زیر است:

جدول ۱: ضمایر منفصل ترکی آذری و معادل فارسی آن‌ها

جمع		مفرد	
biz	ما	man	من
siz	شما	san	تو
olar	ایشان(آنها)	o	او

۱-۱-۳. ویژگی‌های ضمیر ناملفوظ فاعلی در ترکی آذری

در جملات زبان ترکی، تطابق بین فعل و فاعل صورت می‌گیرد. افعال ترکی در شخص و شمار با فاعل جمله‌ای که در آن قرار دارند، مطابقت می‌کنند؛ برای مثال در صرف صیغه‌های شش‌گانه‌ی زمان حال و زمان گذشته‌ی فعل «آمدن»، تطابق بین فعل و فاعل مشاهده می‌شود:

۴۳ Haegeman



جدول ۲: صرف فعل «گل» در زمان آینده

زمان آینده		
معادل فارسی	ترکی آذربایجانی	زبان
خواهم آمد	گلیجیم	اول شخص
خواهی آمد	گلجک سن	دوم شخص
خواهد آمد	گلجک	سوم شخص

زمان حال		
معادل فارسی	ترکی آذربایجانی	زبان
می آیم	گلیرم	اول شخص
می آیی	گلیرسن	دوم شخص
می آید	گلیر	سوم شخص

جدول ۴: صرف فعل «گل» در زمان ماضی بعید

زمان ماضی بعید		
معادل فارسی	ترکی آذربایجانی	زبان
آمده بودم	گلمیشدیم	اول شخص
آمده بودی	گلمیشدین	دوم شخص
آمده بود	گلمیشدی	سوم شخص

حضور نداشتن فاعل و حذف آن در جملات زبان ترکی قابل توجیه است؛ بدین صورت که وندهای فعل، شخص و عدد را نشان می دهند و از آن جا که زبان ترکی در مقوله ی تصریفی

بسیار قوی است و افعال دارای شناسه می‌باشند، شناسه‌ی فعلی نشانه‌ی فاعل است. برای مثال شناسه‌ی «م» در «گلجیم» به‌تنهایی نشانه‌ی فاعل اول‌شخص مفرد است. درزی (۱۳۸۴) بیان می‌کند «اطلاعات مربوط به شخص و شمار این ضمائر فاعلی ناملفوظ، از طریق شناسه یا نشانه‌ی تطابق موجود در فعل قابل شناسایی است» (ص. ۱۸۸).

علیزاده، فاروقی و معصومی‌فرد (۱۳۸۹) بیان می‌دارند: «ضمیر ناملفوظ فاعلی دو ویژگی مرجع‌دار+ضمیر را دارد. ضمیر ناملفوظ فاعلی با ضمیر انتزاعی فاعلی، از این‌رو متفاوت است که این ضمیر، تحت حاکمیت قرار دارد؛ درحالی‌که ضمیر انتزاعی فاعلی تحت حاکمیت نیست؛ هم‌چنین این ضمیر، جزء ردها به حساب نمی‌آید؛ چون مرجع ندارد؛ درحالی‌که ردها مرجع دارند» (ص. ۱۰۳۷).

در زبان ترکی، فاعل جمله‌ی متمم نیز ضمیر ناملفوظ فاعلی است.

مثال ۵: اونا دیدیم.

pro به او گفتم. (حذف «من» که فاعل جمله‌ی متمم است.)

مثال ۶: او ممکن است که [pro] با دوستش صحبت کند.

مثال ۷: پدرم قصد دارد که [pro] این کار را به اتمام رساند.

نمی‌توان جایگاه فاعل این جملات را با ضمیر انتزاعی فاعلی پر کرد؛ به این دلیل که ضمیر انتزاعی فاعلی تحت حاکمیت قرار ندارد؛ اما ضمیر ناملفوظ فاعلی این جملات، تحت حاکمیت هسته‌ی تصریف قرار دارند. مثلاً در مثال‌های ۱۰-۸ می‌توان بدون مشکلی جدی فاعل ضمیری را حذف کرد:

مثال ۸ از زبان فارسی: او آمد.

pro آمد.

مثال ۹ از زبان عربی: أَنَا جَلَسْتُ.

pro جَلَسْتُ.

مثال ۱۰ از زبان ترکی: مَن جَدِم.

جَدِم مَن



/mæn dʒeddəm/

من رفتم

جدم. pro

۲-۸ معیارهای انتخاب زبان‌های ضمیرانداز

راسخ‌مهند معیارهای انتخاب زبان‌های ضمیرانداز را شش مورد زیر معرفی می‌کند: (۱۳۸۴، صص. ۱۱۸-۱۱۷)

۲-۸-۱ اختیاری بودن استفاده و یا حذف ضمیر فاعلی چراکه بود و یا نبود آن تفاوت چندانی در معنی این‌گونه جملات ایجاد نمی‌کند.

در زبان‌های ضمیرانداز، اگر فاعل جمله ضمیر فاعلی باشد، فقط در صورتی که در موضع تکیه قرار بگیرد، تظاهر آوایی آشکار می‌یابد؛ در غیر این صورت به شکل پنهان در جای‌گاه خود باقی می‌ماند. در بسیاری از جملات زبان فارسی جای‌گاه فاعل خالی است. این موضوع زمانی روی می‌دهد که در زیرساخت، ضمیر غیرمؤکدی در جای‌گاه فاعل قرار گرفته باشد و طبق اصل حذف، ضمیر فاعلی غیرمؤکد حذف شده‌باشد. در بیشتر موارد گویش‌وران به راحتی متوجه حضور ضمیر ناآشکار در جای‌گاه فاعل می‌شوند.

۲-۸-۲ فقدان ضمایری برای نشان دادن فاعل تهی مانند *ti* و *ereht* در این زبان‌ها.

۲-۸-۳ آمدن فعل در آخر جمله. زبان‌های ضمیرانداز از دسته فعل‌های [*brev dnoce*] «فعل دوم» هستند یعنی در آرایش واژگانی بی‌نشان، فعل آن‌ها در جای‌گاه پس از فاعل است.

۲-۸-۴ داشتن مطابقه قوی فاعل و فعل. در زبان‌های ضمیرانداز وجود شناسه در فعل برای قابل استنباط بودن ضمیر فاعلی محذوف لازم است. (لازم به ذکر است که وجود شناسه دلیل قاطعی برای ضمیرانداز بودن آن زبان محسوب نمی‌شود.)

۲-۸-۵ امکان حضور ساخت ضمیر موصولی + اثر [*ecart_taht*] در این زبان‌ها.



۲-۸-۶ امکان جابجایی ۴۴ بین فعل و فاعل.

۴- تجزیه و تحلیل

نویسنده در این تحقیق با فرض این که زبان ترکی زبانی ضمیرانداز است ابیاتی اتفاقی از شعر «حیدربابا» از شاعر پرآوازه ایران -شهریار- را با معیار و ملاک‌های زبان‌های ضمیرانداز می‌سنجد تا درستی ملاک و معیارها اثبات شود.

۴-۱ اختیاری بودن استفاده و یا حذف ضمیر فاعلی چراکه بود و یا نبود آن تفاوت چندانی در معنی این گونه جملات ایجاد نمی‌کند.

مثلاً وقتی می‌گوییم «گفتی، اما نیامد.» با توجه به صرف فعل به راحتی می‌توان پی برد که این جمله به صورت زیر بوده‌است:

مثال ۱۱: تو گفتی، اما او نیامد.

در مصراع‌های فوق مشاهده می‌شود که شاعر ضمیر را (به علت تأکید یا ضرورت شعری) در شعر خود آورده است. و این یکی از ویژگی‌های زبان ترکی که زبانی ضمیرانداز محسوب می‌شود است.

۴-۲ فقدان ضمیری برای نشان دادن فاعل تهی مانند *it* و *there* در این زبان‌ها.

مانند مثال ۱۲ و ۱۳ در زبان انگلیسی که بدون حذف ضمیر است.

مثال ۱۲: *It is cold.*

مثال ۱۳: *There arrived a mysterious package.*

(کوک و نیوسان، ۲۰۰۷، ص. ۱۴۰)

حیدربابا چو ابر شَخْد، غُرْد آسمان

حیدربابا ایلدیریملار شاخندا

inversion ۴۴



سئلر سولار شاققیدییوب آخاند
سیلابهای تُند و خروشان شود روان
در چند مصراع فوق دیده می‌شود که در زبان ترکی ضمیری جهت نشان دادن فاعل تهی
وجود ندارد.

۳-۴ آمدن فعل در آخر جمله.

مثال ۱۴: ما به بازار رفتیم.

فعل «رفتیم» در انتهای جمله آمده است.

حیدربابا ، کهلیک لرؤن اوچاندا حیدربابا چو کبکِ تو پَرَد ز روی خاک

کؤل دیبینن دوشان قالخوب قاچاندا خرگوشِ زیر بوته گریزد هراسناک

باخچالارون چیچکلنؤب آچاندا باغت به گل نشسته و گل جامه چاک کرده

در ساختار بی‌نشان جملات ترکی، فعل در انتهای جمله می‌آید. به همین منظور زبان
ترکی جزو زبان‌هایی است که «فعل دوم» محسوب می‌شوند یعنی فعل پس از فاعل
می‌آید.

۴-۴ داشتن مطابقه قوی فاعل و فعل.

مثال ۱۵: من گفتم. ما گفتیم.

تو گفتی. شما گفتید.

او گفت. آن‌ها گفتند.

حیدربابا ، سنؤن اؤزؤن آغ اولسون! حیدربابا ، همیشه سر تو بلند باد

هنچ بیلمه دیم گؤزلرؤن نئج اولدی دیگر خبر نشد که چه شد زادگاه من (زببارویان یا
خودکوه)

در سه مصرع بالا، کلمات اولی که زیر آن‌ها خط کشیده شده فاعل‌های جمله بوده و همگی



با کلمات دوم در همان مصرع از نظر شخص و شمار و زمان مطابقت دارند.

۴-۵ امکان حضور ساخت ضمیر موصولی + اثر [that_trace] در این زبان‌ها.

مثال ۱۶: Which book did you say that (t) is interesting? *

در جمله‌ی فوق «which» سازه‌ای است که به اول جمله حرکت کرده و اثری از خود به جا گذاشته؛ اما این اثر نمی‌تواند بلافاصله بعد از ضمیر موصولی that باشد چراکه در این صورت ساختی نادرستی از جمله خواهیم داشت.

۴-۶ امکان جابجایی بین فعل و فاعل.

مثال ۱۷: مَن اُندا گویدم.

mæn unda: goɪdəm

من آن‌جا گذاشتم.

مثال ۱۸: گویدم مَن اُندا.

unda goɪdəm mæn

گذاشتم من آن‌جا

براساس نظر ریتسی مبنی بر این‌که ضمیر ناملفوظ نیاز به شناسایی دارد، این روی‌کرد با مشکل مواجه می‌شود. همان‌طور که هولمبرگ (۲۰۰۵، ص. ۵۳۷) اشاره می‌کند در چارچوب «نظریه‌ی مطابقت» ممکن نیست ضمیری که ذاتا نامشخص است توسط مشخصه‌های فای در هسته‌ی تصریف مشخص شود زیرا هسته‌ی تصریف خود دارای مشخصه‌های ذاتا نامشخص است. بنابراین او (۲۰۰۵) معتقد است که یکی از این دو عنصر یعنی هسته‌ی تصریف یا ضمیرناملفوظ باید دارای مشخصه‌های تعبیری پذیر (ارزش‌گذاری شده یا مشخص) باشند. در این صورت یکی از آن‌ها قادر به ارزش‌گذاری دیگری خواهد بود. بنابراین او این فرضیه را ارائه می‌دهد که: ضمیرناملفوظ دارای مشخصه‌های تعبیری پذیر است و شاخص گروه زمان را اشغال می‌کند و درست همانند ضمیر آشکار عمل می‌کند. بنابراین این موضوع که ضمیر ناملفوظ فاقد تظاهر آوایی است با صورت آوایی (PF) ارتباط پیدا می‌کند.



قالیب شیرین یوخی کیمین یادیمدا در خاطر م چو خواب خوشی ماندگار شد

خواب خوش در خاطر چه کسی مانده!؟

دوشسون بو آج یولسوزلارین گوزونه بر چشم این گداصفتان دروغگو انداخته

کسانی که گرسنه هستند این راه رو بینند

سالیب خلقی بیر-بیرینن جانینا این خلق را به جان هم انداخته است دیو

افعال در سه مصرع فوق بنابه ضرورت شعری یا معنی از انتهای جمله نقل مکان کرده و به اول جمله آمده‌اند.

۵- نتیجه‌گیری

رفتار ضمائر فاعلی در زبان‌های مختلف متفاوت است و همین دلیلی برای ایجاد پارامتری به نام پارامتر ضمیرانداز در زبان‌ها شده و آن‌ها را در این مقوله از هم جدا می‌کند. برخی از زبان‌ها همانند آلمانی، فرانسوی، هلندی و انگلیسی جزو زبان‌هایی هستند که این پارامتر را ندارند و از سوی دیگر زبان‌هایی هم‌چون ایتالیایی، عربی، یونانی، چینی، ژاپنی، فارسی و ترکی جزو زبان‌هایی هستند که به ضمیر فاعلی اجازه حذف می‌دهند و پارامتر فوق را دارند. در این مقاله محقق این ویژگی را با نشان دادن آن در شعر «حیدربابا»ی شهریار اثبات می‌کند. لذا ابیاتی از شعر این شاعر پرآوازه‌ی ایرانی ترک‌زبان به‌طور تصادفی انتخاب شد و شش معیار که می‌توان گفت ملاک‌های تشخیص زبان‌های ضمیرانداز از غیرضمیرانداز است مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. پس از مطالعه شواهدی آورده شد که مشخص نمود زبان ترکی آذری در زمره‌ی زبان‌های ضمیرانداز قرار می‌گیرد و همچنین این نتیجه حاصل شد که در شعر، به لحاظ تأکید و یا ضرورت شعری، این زبان سعی دارد ضمائر خود را حفظ کند.

منابع و مأخذ

- [۱] حق‌بین، فریده و کیانی، سارا (۱۳۹۱)؛ «بررسی مطابقت فاعل و فعل در گفتار فارسی‌آموزان بر اساس رویکرد کمینه‌گرا»، چکیده مقالات نخستین همایش بین‌المللی گسترش زبان و ادبیات فارسی - استادان زبان فارسی - ۱.
- [۲] علیزاده، علی؛ فاروقی، جلیل‌الله و معصومی‌فرد، ن (۱۳۸۹)؛ گلبانگ‌آشنایی: مجموعه مقالات هفتمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی، ناشر: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، صص. ۱۰۴۵-۱۰۳۳.
- [۳] دبیر مقدم، محمد (۱۳۸۳)؛ «زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی»، ویراست دوم، انتشارات سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی).
- [۴] درزی، علی (۱۳۸۵)؛ شیوه‌های استدلال نحوی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- [۵] اسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۴)؛ «حذف ضمیر فاعلی در برخی زبانهای ایرانی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال دوم، شماره ۳۸ (پیاپی ۱۴۹)، صص. ۱۲۴-۱۱۳.
- [۶] شریفی‌پورشیرازی، احمدرضا (۱۳۹۳)؛ چکیده مقالات دومین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی اسلامی) دومین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی: گذشته و حال، صص. ۸۵-۷۶.
- [۷] متولیان‌نائینی، رضوان (۱۳۹۲)؛ «ضمیر فاعلی عام در زبان فارسی: مقایسه‌ای بین زبان‌های ضمیرانداز ثابت و نسی»، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال پنجم، شماره دوم، صص. ۸۸-۷۱.
- [۸] متولیان‌نائینی، رضوان و شهبازی، سمیه (۱۳۹۲)؛ «بررسی مقابله‌ای حرکت پرسش‌واژه در زبان فارسی و ترکی»، اولین کنفرانس ملی آموزش زبان انگلیسی، ادبیات و مترجمی، شیراز، موسسه بین‌المللی آموزشی و پژوهشی خوارزمی. بر گرفته از سایت زیر در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۰
- http://www.civilica.com/Paper-TELT01-TELT01_211.html
- [۹] متولیان‌نائینی، رضوان و ایمانی، زلفا (۱۳۹۲)؛ «پارامتر ضمیراندازی و طبقه‌بندی زبان‌ها»، اولین کنفرانس ملی آموزش زبان انگلیسی، ادبیات و مترجمی، شیراز، موسسه بین‌المللی آموزشی و پژوهشی خوارزمی. بر گرفته از سایت زیر در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۶
- http://www.civilica.com/Paper-TELT01-TELT01_303.htm

References

- [1] Alibabae, A. & Tavakoli, M. & Youhanaee, M. (2012), Referential, Quasi, and Expletive Subjects in L2 English of Persian Speakers, The Journal of Teaching Language Skills (JTLS) 4 (2), Summer 2012, Ser. 67/4 (Previously Journal of Social Sciences & Humanities).
- [2] Botha, R., P. (1989), Challenging Chomsky: the Generative Garden Game. Oxford:



Basil Blackwell.

- [3] Chomsky, N. (1976), *Reflections on Language*, London: Temple Smith.
- [4] Chomsky, N. (1980a), *Rules and Representations*, Oxford: Blackwell.
- [5] Chomsky, N. (1995b), Bare phrase structure. In G. Webelhuth (ed.), *Government and Binding Theory and the Minimalist Programme*, Oxford: Blackwell, pp. 383–439.
- [6] Cook V. J., Newson M. (2007), *Chomsky's Universal Grammar: An Introduction*. Oxford: Blackwells.
- [7] Jaeggli, O. & K. Safir (1989). *The null subject parameter*, Dordrecht: Kluwer.
- [8] Haegeman, L. (1994), *Introduction to Government and Binding Theory*, Blackwell: Publishing.
- [9] Holmberg, A. (2005), Is there a little pro? Evidence from Finnish, *Linguistic Inquiry* 36: 533–64.
- [10] Jackendoff, R. (1997), *The architecture of language faculty*. Cambridge MA: MIT Press.
- [11] Karimi, S. (2005), *A Minimalist Approach to Scrambling: Evidence from Persian*, Berlin: Mouton de Gruyter.
- [12] Perlmutter, D. (1971). *Deep and Surface Constraints in Syntax*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- [13] Rizzi, L. (1982), *Issues in Italian syntax*. Dordrecht: Foris.
- [14] Rizzi, L. (1986), Null objects in Italian and the theory of pro, *Linguistic Inquiry* 17, 501–557.
- [15] Roberts, I. and Holmberg, A. (2010), Introduction: parameters in minimalist theory, In Theresa Biberauer, Anders Holmberg, Ian Roberts and Michelle Sheehan (eds.). *Parametric variation: Null subjects in Minimalist Theory*. Cambridge University Press. 1–57.
- [16] White, L. (2003b), *Second language acquisition and universal grammar*, Cambridge: CUP.
- [17] <http://www.iranboom.ir/shekar-shekan/zaban-pajohi/4922-chekide-maghalat-hama-zaban-adab-fars-2.html>
- [18] <http://ganjoor.net/shahriar/heydarbaba/>